

بررسی نحوه اقامه دعوی اضافی در حقوق ایران

غلامرضا اولیایی^۱، سهیل طاهری^{۲*}، حسن فدایی^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد آیت الله املی، آمل، ایران

۲. استادیار حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهر قدس، تهران، ایران

۳. مدرس، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران غرب، تهران، ایران

(دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۰۹ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۰۶)

The Preferred Model of Additional Lawsuit in Iranian Law

Gholamreza Olyaei¹, Soheil Taheri^{2*}, Hassan Fadaei³

1. Ph.D. Student in Law, Islamic Azad University, Ayatollah Amoli Branch, Amol, Iran

2. Assistant Professor of Law, Islamic Azad University, Quds Branch, Tehran, Iran

3. Lecturer at Islamic Azad University, Tehran West Branch, Tehran, Iran

(Received: 31/Jul/2021

Accepted: 27/Nov/2021)

Abstract

Additional lawsuits are not well known in the Iranian civil procedure legal system, and there has been little discussion of this in legal articles and books. According to the legislature in Article 17 of the Code of Civil Procedure, additional lawsuits one of the types of ancillary claim and it is clear to those who know that the design and defense of such claim requires compliance with the procedures set forth in the law mentioned above. Unlike other ancillary claims (counterclaim, impleader and third party intervention), the rules of civil proceedings do not examine its effects and rulings in detail and independently. The question posed in this article is how to properly plan an additional lawsuit in Iranian civil procedure that would logically have a close relationship with the origin of the main lawsuit. The achievement of this article is the submission of an application as a more logical alternative to the petition and the presentation of some new conclusions in accordance with the law and inspired by judicial procedure. By examining the concept, necessity, conditions and rulings of these disputes and analyzing them, the authors have tried to take a small step by shedding light on obscure points.

Keywords: Ancillary Action, Additional Lawsuit, Counterclaim, Third Party Intervention, Impleader and Trial Proceedings.

چکیده

دعوی اضافی در نظام حقوقی آیین دادرسی مدنی ایران چندان مطرح و معرفی نشده است و در نشریات و محافل حقوقی نیز مباحث اندکی در این خصوص بیان شده است. حسب بیان مقنن در ماده ۱۷ قانون آیین دادرسی مدنی، دعوی اضافی یکی از انواع دعوای طاری است و بر آگاهان روشن است که طرح و دفاع نسبت به چنین دعوایی مستلزم رعایت تشریفات مندرج در قانون صدرا اشاره است. در مقررات دادرسی مدنی برخلاف سایر دعوای طاری (تقابل، جلب ثالث و ورود ثالث)، آثار و احکام آن تفصیلاً و مستقلاً بررسی نشده است. پرسش مطروحه در این مقاله بررسی نحوه اقامه دعوی اضافی در حقوق دادرسی ایران است که منطقیاً باید با منشأ واحد دعوی اصلی، مرتبط باشد. تقدیم دادخواست و ارائه برخی استنتاج‌های نوین با رعایت قانون و الهام از رویه قضایی، امکان طرح دعوی اضافی توسط خواننده دعوی اصلی (متقابل) و پذیرش دعوی اضافی پس از پایان مهلت قانونی منوط به رضایت خواننده، دستاورد این مقاله است. نویسنده با بررسی مفهوم، ضرورت، شرایط، احکام و تحلیل این دعا کوشیده است با پرتوافکنی بر نقاط مبهم، گامی هرچند کوچک بردارد.

کلیدواژه‌ها: دعوی طاری، دعوی اضافی، متقابل، ورود ثالث، جلب ثالث و تشریفات دادرسی.

*Corresponding Author: Soheil Taheri

E-mail: soheiltaheri8@gmail.com

مقدمه

طاری یا طاریه از دیدگاه لغوی، به معنای ناگاه در آینده، ناگاه روی داده، عارض و مصداق‌های دیگر آمده است (دهخدا، ۱۳۸۵). در منبع فقه نیز طاری به امری گفته می‌شود که بیرون از عادت و بدون آنکه توقع وقوع آن را داشته باشیم، آن موضوع اتفاق خواهد افتاد (انصاری، ۱۳۸۴). اگر بخواهیم به سوابق تقنینی دعوی طاری اشاره کنیم می‌توان این نکته را بیان نمود که بر طبق قانون اصول محاکمات و اصلاحات بعدی آن، مصوب ۲۰ آبان ماه ۱۲۹۰ خورشیدی تعریفی از دعوی طاری وجود ندارد، اما برای اولین بار طبق قانون موقت تصرفات در قانون اصول محاکمات حقوقی راجع به محاکم صلحیه مصوب کمیسیون قوانین عدلیه ۱۳۰۲ شمسی، عبارت «دعوی طاری» استفاده شده است و به موجب این ماده واحده، تعدادی از مواد قانون اصول محاکمات، اصلاح می‌گردد. ماده ۱۴ این قانون بیان می‌دارد: «هر دعوی که در اثنای رسیدگی به دعوی اصلی اقامه شود، اعم از اینکه از طرف مدعی باشد یا مدعی علیه، به عنوان دعوی متقابل باشد یا شخص ثالث و یا دعوی اصلی، از یک منشا ناشی شده یا مربوط به آن باشد، راجع به همان محاکم صلحیه است که دعوی اصلی در آنجا اقامه شده است...». البته علاوه بر این ماده، در ماده ۱۵۹ این قانون نیز که فقط ناظر به دعوی متقابل بوده است نسخ و به تعریف کلیه دعاوی طاری از جمله متقابل می‌پردازد و در نهایت در ماده ۱۷ قانون آیین دادرسی مدنی که برگرفته از ماده ۲۸ قانون اصول محاکمات حقوقی مصوب ۱۳۱۸ است، دعوی طاری چنین تعریف شده است: «هر دعوی که در اثنای رسیدگی به دعوی دیگر از طرف خواهان یا خوانده یا شخص ثالث یا از طرف متداعیین اصلی بر ثالث اقامه شود، دعوی طاری نامیده می‌شود. این دعوا اگر با دعوی اصلی مرتبط یا دارای یک منشا باشد، در دادگاهی اقامه می‌شود که دعوی اصلی در آنجا اقامه شده است».

عنوان حقوقی دعوی اضافی که موضوع اصلی بحث می‌باشد، برگرفته از حقوق دادرسی مدنی تطبیقی و گفتمان مقنن فرانسوی در ماده ۶۵ قانون آیین دادرسی مدنی است، بر این مبنا: دعوی که بر اساس ادعای یکی از طرفین، خواسته‌های پیشین خود را تغییر دهد، اضافی نامیده می‌شود. درخواست اضافی در کنار درخواست متقابل، ورود ثالث و جلب ثالث، درخواست‌های طاری را در حقوق فرانسه تشکیل می‌دهند که تعریف، شرایط اقامه و رسیدگی به آن در مواد ۶۳ تا ۷۰ قانون جدید آیین دادرسی مدنی فرانسه، پیش‌بینی شده است. در نظام

حقوقی ایران بر خلاف سایر دعاوی طاری، تقابل، جلب ثالث و ورود ثالث، آثار و احکام دعوی اضافی مطرح نشده است و از طرفی مبنای دعوی اضافی در حقوق ایران نیز با اختلافات فراوانی مواجه می‌باشد. دعوی اضافی در ماده ۹۸ قانون آیین دادرسی مدنی به طور ضمنی مورد اشاره قرار گرفته است، در واقع ماده ۹۸ به صورت خاص افزایش خواسته را مستند دعوی اضافی در حقوق ایران می‌داند. سکوت، نقص و اجمال قوانین داخلی در خصوص دعوی اضافی و افزایش خواسته و ضرورت مطالعه تطبیقی آن در این نوشتار، خارج از موضوع این اثر است و از طرفی به جهت رفع ابهام در حقوق موضوعه ایران و همچنین روشن شدن موضوعات مطروحه، سؤالات و فرضیه‌های ذیل قابل طرح است: مهم‌ترین تفاوت‌ها و تشابهات دعوی اضافی و افزایش خواسته در چیست؟ موارد نقص یا اجمال دعوی اضافی و افزایش خواسته در حقوق موضوعه ایران چیست؟ دعوی اضافی و افزایش خواسته در سایر نظام‌های حقوقی دنیا به چه کیفیتی است؟ در جواب به این سؤالات می‌توان گفت که مهم‌ترین تفاوت دعوی اضافی و افزایش خواسته در این است که دعوی اضافی، دعوی مستقل اما افزایش خواسته، صرفاً یک درخواست می‌باشد. دعوی اضافی و افزایش خواسته از جنبه مهلت اقامه، شکل اجرا و اعمال در آیین دادرسی مدنی، دارای تشابهات زیادی می‌باشند. ارتباط کامل یا اتحاد منشأ و ضرورت یا عدم ضرورت تقدیم دادخواست، از موارد نقص یا اجمال دعوی اضافی و افزایش خواسته در حقوق ایران می‌باشد. در بسیاری از نظام‌های حقوقی دنیا، دعوی اضافی پذیرفته شده و افزایش خواسته به صورت استثناء آن هم با تشریفات متفاوت با ایران، قابل طرح می‌باشد. در حقیقت دعوی اضافی در حقوق ایران و دکترین حقوقی چندان شناخته شده نیست و در مقالات و کتب حقوقی نیز بحث‌های اندکی در این خصوص بیان شده که از آن جمله می‌توان به کتاب‌ها و مقالاتی مانند دعوی طاری و شرایط اقامه آن، اثر رسول مقصدپور در سال ۱۳۹۱ و مقالات دعوی اضافی اثر محمد مولودی در سال ۱۳۸۱، مهلت اقامه دعوی اضافی و اقامه دعوی طاری در خارج از مهلت اثر مهدی حسن‌زاده در سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۲، محمد امامی و رضا دریانی و مصطفی کربلایی در سال ۱۳۹۲ اشاره کرد. با وصف این توصیفات، لازم است تا مفهوم، مبنا و ضرورت، شرایط و احکام قانونی دعوی اضافی در حقوق ایران، واکاوی شود و بر این مبنا ابتدا به معرفی دعوی اضافی خواهیم پرداخت و پس از بررسی سابقه تاریخی دعوی اضافی و جایگاه آن در حقوق

سابقه تقنینی دعوی اضافی

همان طوری که گفته شد، بدون ذکر صریح از دعوی اضافی، ماده ۹۸ قانون آیین دادرسی مدنی به طور ضمنی دعوی اضافی را مورد اشاره قرار داده است. از این رو باید ماده ۹۸ و مواد پیشین آن را مستند دعوی اضافی در حقوق کشورمان دانست. با این حال، دعوی اضافی متفاوت از تغییرات خواسته، مطرح شده در ماده ۹۸ است و مبنای دعوی اضافی در حقوق ایران ماده ۱۷ قانون آیین دادرسی مدنی است که خواهان دعوی علیّه خوانده، بعد از اقامه دعوی اصلی، با ارتباط کامل و یا وحدت منشأ اقامه می‌نماید. ماده ۲۳۸ قانون اصول محاکمات حقوقی در ذیل عنوان (در حال رسیدگی به دعوا) در باب تغییر خواسته اعلام می‌داشت: «مدعی می‌تواند تقاضای اولی خود را که در عرض حال تصریح کرده، کم و کسر کند ولی به هیچ وجه نمی‌تواند آن را زاید کند یا ماهیت ادعای خود را تغییر دهد و یا به صورت کلی تقاضایی بکند که از عرض حال او مستقیماً مفهوم حاصل نیست»، برخی مصادیق ماده ۲۳۹ تغییر ماهیت ادعا یا تقاضا، تلقی نشده بود و در نهایت در ماده ۲۴۰ مقرر داشته: «در صورتی که مدعی بخواهد تغییری در ماهیت تقاضای خود بدهد باید مراتب را کتباً در همان جلسه به محکمه اظهار کند». متعاقباً ماده ۲۳۸ قانون موقت تصرفات در قانون اصول محاکمات ۱۳۰۲ ضمن اصلاحاتی اعلام کرد: «مدعی می‌تواند تقاضای اولی خود را که در عرض حال تصریح کرده است کم و کسر کند و نیز می‌تواند آن را زیاد کند یا ماهیت ادعای خود را تغییر دهد یا تقاضایی کند که از عرض حال او مستقیماً مفهوم حاصل نیست، مشروط به اینکه مدرک این دعوی همان مدرک ادعای اولی باشد. در این صورت باید تقاضای خود را کتباً به محکمه بدهد و مدعی علیّه هرگاه برای جواب حاضر نباشد، می‌تواند استمهال کند». در قانون آیین دادرسی مدنی مصوب سال ۱۳۱۸ و به موجب ماده ۱۱۷، این مقررات روشن تر شد و مهلت اقدام نیز دقیقاً معین شد و در نهایت همین ماده با اندکی تغییر، در ماده ۹۸ قانون جدید تکرار گردید. به موجب این ماده: «خواهان می‌تواند خواسته خود را که در دادخواست تصریح کرده، در تمام مراحل دادرسی کم کند ولی افزودن آن یا تغییر نحوه دعوا یا خواسته یا درخواست در صورتی ممکن است که با دعوی طرح شده مربوط بوده و منشأ واحدی داشته باشد و تا پایان اولین جلسه آن را به دادگاه اعلام کرده باشد» (مقصودپور، ۱۳۹۱).

جایگاه دعوی اضافی در حقوق ایران

دعوی اضافی در لغت، دعوی است منسوب به اضافه و به

ایران، شرایط اقامه و رسیدگی به دعوی اضافی را مطالعه خواهیم کرد. در ادامه دعوی اضافی در رویه قضایی ایران مورد توجه قرار خواهد گرفت و با واکاوی دعوی اضافی در قوانین برخی کشورها، در نهایت نسبت به معرفی و ارائه مدل مطلوب دعوی اضافی در حقوق ایران، اقدام خواهیم نمود.

معرفی دعوی اضافی

به عنوان یک قاعده جهانی می‌توان گفت که هر یک از اصحاب دعوا حق دارند با اثبات علت موجه، ادعاها و یا دفاعیات خود را در شرایط قانونی و مشخص شده تصحیح و اصلاح کنند، به شرط آنکه در اسرع وقت این تغییرات یا اصلاحات به طرف مقابل دعوا، اطلاع رسانی یا ابلاغ شود تا باعث تأخیر نامتعارف و غیر قانونی در دستیابی به یک دادرسی عادلانه نشود و ابزاری برای بی‌عدالتی نگردد (پوراستاد، ۱۳۸۷). به همین خاطر، در دنیای کنونی و در بسیاری از کشورهای جهان، به خواهان دعوا اجازه می‌دهند که بعد از طی مراحل قانونی و همچنین تقدیم دادخواست و اقامه دعوا تحت شرایطی و در صورت نیاز، مبادرت به تصحیح یا تغییر یا تکمیل دعوی سابق مطروحه خود بنمایند. در قانون جدید آیین دادرسی مدنی فرانسه و طبق ماده ۶۵، دعوی اضافی به عنوان یکی از دعاوی طاری پیش‌بینی شده است. مواد ۱۲۴ قانون مرافعات مدنی و تجاری مصر و ماده ۱۱۵ قانون اصول محاکمات مدنی اردن و ماده ۳۱ قانون اصول محاکمات لبنان، هم با عنوان دعوی اضافی «الطلبات الاضافیه» چنین اختیاراتی را برای خواهان پیش‌بینی نموده‌اند. همچنین قاعده پانزدهم از قانون مجموعه قواعد فدرال دادرسی مدنی آمریکا نیز به تصحیح و تکمیل ادعاهای قبلی اختصاص پیدا کرده است (مولودی، ۱۳۸۱). یکی از مواردی که در خصوص طرح دعوی اضافی ممکن است برای خواننده دعوا مشکل‌آفرین باشد، عدم رعایت اصل تناظر است که ضروری است در بروز و ظهور طرح دعوی اضافی در اثنای رسیدگی به دعوی اصلی مورد توجه قرار گیرد. در واقع در دادخواست دعوی اضافی و در اجرای اصل تناظر بایستی به خواننده دعوی، اطلاع‌رسانی و ابلاغ شود و او نیز بایستی فرصت لازم و کافی برای تدارک دفاع در زمینه دعوی جدید را داشته باشد. دعوی اضافی از یک طرف دعوی طاری و از سوی دیگر، دعوی کامل می‌باشد که ضمن رعایت تمام اصول قانونی و ضوابط و مقررات شکلی و ماهوی، به طور حتم در چگونگی اقامه و رسیدگی و صدور رأی نسبت به هر دو دعوا، دخیل می‌باشد (مقصودپور، ۱۳۹۱).

باشد، منافع به خواسته اضافه گردد و نظایر آن. برعکس اگر کسی در دادخواست اصلی وجه استقراض خود را مطالبه کند، نمی‌تواند مبلغ دیگری را از بابت سهم‌الارث بر خواسته خود بیفزاید. بین این دو مبلغ ارتباط و وحدت منشأ نیست، بلکه این دعوی مستقل هستند که باید جداگانه مطرح شوند (متین دفتری، ۱۳۷۸).

ملاحظه می‌شود که در ظاهر تفاوتی بین دعوی اضافی و تغییرات مندرج در ماده ۹۸ قانون آیین دادرسی مدنی (ماده ۱۱۷ سابق) وجود ندارد. البته مثال‌هایی که به عنوان دعوی اضافی مطرح شده است، مصادیق تغییرات ماده ۹۸ است و نه دعوی اضافی. این عقیده در تعارض با خود اصطلاح دعوی اضافی است؛ چرا که تغییرات ماده ۹۸، دیگر دعوا در مفهوم واقعی نیست. اشکال دیگری که در این تعریف به چشم می‌خورد، آن است که محدود کردن خواسته هم تحت عنوان دعوی اضافی مطرح شده، در حالی که دعوی اضافی به هیچ نحو نمی‌تواند شامل چنین امری باشد (مقصودپور، ۱۳۹۱). یکی از حقوقدانان در مقام تعریف دعوی اضافی مرقوم می‌دارد که با توجه به اینکه ماده ۱۷ قانون آیین دادرسی مدنی، دعوی طاری را دعوی می‌داند که در اثنای دعوی دیگری مطرح می‌شود و نیز با توجه به اینکه اختیارات ماده مذکور، برخلاف ماده ۶۵ قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه، تنها برای خواهان پیش‌بینی شده است، در حقوق ایران می‌توانیم دعوی اضافی را بدین‌گونه تعریف نماییم: «دعوی که خواهان در اثنای رسیدگی برای تصحیح، تکمیل یا تغییر دعوی اصلی خود اقامه می‌نماید» (مولودی، ۱۳۸۱). این تعریف بسیار کلی و مبهم است؛ چرا که اولاً، در تعارض با خود ماده ۱۷ قانون آیین دادرسی مدنی است که بحث از دعوی خواهان علیه خواننده نموده است، در حالی که هیچ یک از عنوان‌هایی که در ماده ۹۸ به کار رفته است دعوا نیستند و باید پذیرفت که تغییرات مزبور را نمی‌توان از مصادیق «دعوی اضافی» که در ماده ۱۷ به آن اشاره شده دانست. در حقیقت، تغییراتی که در ماده ۹۸ قانون آیین دادرسی مدنی آمده و خواهان می‌تواند آنها را اعمال نماید، نیاز به تقدیم دادخواست جدید ندارد و به منزله تغییر در همان دعوی اقامه شده است، در حالی که «دعوی اضافی» که خواهان اصلی اقامه می‌کند، یک دعوی کامل است و باید به موجب دادخواست اقامه شود و ثانیاً؛ اصطلاحات تصحیح و تکمیل دعوی اصلی بسیار مبهم است. در حقوق ما هم تصحیح یا تکمیل فقط در قالب دعوی طاری و تغییرات ماده ۹۸ ممکن است و غیر از این، امکان تصحیح یا تکمیل وجود

معنای الحاقی، بیشتر بودن، زیادی، افزونی، ارتباطی (دهخدا، ۱۳۸۵) و دعوی، طاری است که از طرف مدعی اقامه شود (لنگرودی، ۱۳۷۰). در حقوق، به عملی تکمیلی که امکان زمینه واقع شدن برای تعدیل و تصحیح عمل پیشین داشته باشد، اضافی گویند (انصاری و طاهری، ۱۳۸۴). در حقوق فرانسه دعوی اضافی با اصطلاح «demande additionnell» شناخته می‌شود که عبارت از دعوی است که از طریق آن، خواهان دعوی اصلی در طی رسیدگی، خواسته‌ای جدید اما مرتبط با دعوی ابتدایی مطرح می‌کند و در زبان انگلیسی با «joinder of action» و «joinder of parties» و در زبان عربی با اصطلاح «طلب الاضافی» شناخته می‌شوند. برخی از حقوقدانان، ماده ۹۸ قانون آیین دادرسی مدنی را مستند و مبنای دعوی اضافی می‌دانند (بدریان، ۱۳۷۴)، با این توضیح که به موجب ماده ۹۸ امکان افزایش خواسته وجود دارد که همان دعوی اضافی است، این افزایش می‌تواند به صورت کمی، مانند اینکه خواسته از یک میلیون ریال را به دو میلیون ریال افزایش یابد و یا افزایش تعداد خواسته‌ها باشد. مانند اینکه در ابتدا دعوی تخلیه مطرح شود و سپس مطالبه اجور معوقه نیز در جلسه اول به عمل آید (واحدی، ۱۳۷۸). در این قسمت لازم است به ارائه نظریات مختلف دکترین حقوقی بپردازیم. یکی از حقوقدانان در توضیح دعوی اضافی، آن را یکی از اقسام دعوی طاری می‌داند که عبارت است از «تغییری که مدعی در دعوی اصلی خود می‌دهد، اعم از اینکه آن را محدود کند یا بر آن بیفزاید. البته مراد هرگونه افزایش نیست. منظور اضافه‌ای است که با اصل دعوی مدعی از یک منشأ و با آن مربوط باشد. اگر غیر از این باشد، با یکی از اصول اساسی آیین دادرسی معارضه پیدا می‌کند و آن اصلی است که به موجب ماده ۶۵ قانون آیین دادرسی مدنی مقرر گردیده و مطابق آن دعوی متعدده را که منشأ و مبنای آنها مختلف است، نمی‌توان به موجب یک دادخواست اقامه نمود، مگر آنکه دعوی، طوری به یکدیگر مربوط باشند که دادگاه بتواند به تمام آنها در ضمن یک دادرسی رسیدگی کند. بنا بر همین اصل است که در موضوع دعوی اضافی در ماده ۹۸ قانون آیین دادرسی مدنی، تصریح شده است که مدعی می‌تواند خواسته خود را که در دادخواست تصریح کرده است زیاد کند یا نحوه دعوی یا خواسته و یا درخواست خود را تغییر دهد، مشروط بر اینکه منشأ آن همان منشأ دعوی اولی و مربوط به آن باشد. سپس مثال می‌زنند که اگر خواسته مطالبه اصل قرض باشد، مانعی ندارد که فرع بر آن اضافه شود یا در صورتی که عین مالی

ندارد (شمس، ۱۳۹۵).

مصالحی چون ثبت و انجام راحت‌تر تشریفات، در قالب دادخواست تقدیم می‌شوند. به همین جهت در صورت عدم وجود شرایط، قرار رد دادخواست صادر می‌شود نه رد درخواست (مقصودپور، ۱۳۹۱).

شرایط اقامه و رسیدگی به دعوای اضافی

باید پذیرفت که دعوای اضافی، دعوایی است که خواهان دعوای اصلی یا خواهان دعوای متقابل، پس از اقامه آن، علیه خوانده هریک از این دعوی، اقامه می‌نماید که در این صورت نیز بایستی با دعوای مزبور مرتبط و یا دارای یک منشأ واحد باشد. در واقع دعوای اضافی یک دعوای تمام عیار و کامل است که رسیدگی به آن در مراجع و محاکم قضایی مستلزم تقدیم دادخواست است و باید تا پایان اولین جلسه دادرسی اقامه شود. دعوای اضافی به استناد ماده ۱۷ قانون آیین دادرسی مدنی، در دادگاهی اقامه می‌شود که به دعوای اصلی رسیدگی می‌نماید و علی‌الاصول در همین دادگاه و توأمان با دعوای اصلی به آن رسیدگی می‌شود، مگر اینکه آن دعا از صلاحیت ذاتی دادگاه خارج باشد. در این صورت هرگاه رسیدگی به دعوای اصلی منوط به روشن شدن نتیجه دعوای اضافی باشد، دادگاه ضمن فرستادن پرونده دعوای اضافی به مرجع صالح یا مرجع تعیین صلاحیت، دعوای اصلی را تا روشن شدن نتیجه دعوای اضافی بر طبق ماده ۱۹ قانون آیین دادرسی مدنی و بر مبنای صدور قرار اناطه، متوقف می‌کند.

یکی دیگر از شرایط دعوای اضافی این است که سابقاً دعوایی از جانب خواهان علیه خوانده مطرح شده باشد. بدیهی است طرح درخواست‌هایی چون تأمین خواسته و دستور موقت برای طرح دعوای اضافی کافی نیست؛ چرا که این موارد، دعا در مفهوم واقعی نیستند، بلکه درخواست‌هایی فرعی هستند که استثنائاً قانونگذار برای حفظ حقوق خواهان پیش‌بینی کرده است، ولی به جهت همین فرعی بودن، باید قطعاً دعوای اصلی مطرح شود؛ چرا که بقای فرع بدون وجود اصل میسر نخواهد بود و اگر در تأمین خواسته ظرف ۱۰ روز و در دستور موقت ظرف ۲۰ روز دادخواست دعوای اصلی تقدیم نشود، به موجب مواد ۱۱۲ و ۳۱۸ قانون آیین دادرسی مدنی بنا به درخواست خوانده، قرار رد دادخواست صادر خواهد شد. لازم به ذکر است که در رویه قضایی، درخواست‌هایی نظیر دستور موقت، تأمین خواسته، سازش و... اگر بخواهند، بدون وجود دعوای اصلی مطرح شوند، باید در قالب دادخواست باشند؛ یعنی درخواست در قالب دادخواست به دادگاه تقدیم شود. با این حال در این مورد نیز، صرف تقدیم دادخواست در مواردی که ذکر شد، موجبی برای دعا تلقی شدن این درخواست‌ها نیست؛ چرا که در هر حال، این موارد ماهیتاً درخواست‌هایی هستند که به جهت

۱. تشریفات دادخواست دعوای اضافی و اقدامات

دادگاه

۱-۱. تقدیم دادخواست و پرداخت هزینه دادرسی

۱-۱-۱. ضرورت تقدیم دادخواست

گفته شد که اگر دعوای اضافی را همان تغییرات ماده ۹۸ بدانیم، دیگر در دعوای اضافی تقدیم دادخواست ضرورتی نخواهد داشت. با این حال، یکی از حقوقدانان طرفدار این نظریه (مولودی، ۱۳۸۱)، با الهام از رویکرد حقوق فرانسه، در این خصوص قائل به تفصیل شده‌اند؛ با این توضیح که اگر دعوای اضافی در جلسه اول دادرسی و با حضور خوانده اقامه شود، با توجه به اطلاع طرف مقابل از موضوع دعا و دلایل خواهان، نیازی به تنظیم دادخواست جداگانه نیست. در این فرض، چنانچه خوانده آمادگی دفاع و پاسخگویی به دعوای جدید را داشته باشد، می‌تواند دفاعیات خود را مطرح نماید والا جهت تدارک دفاع و تهیه دلایل، می‌تواند تقاضای تأخیر جلسه را نماید، اما اگر تغییرات خواسته در غیر جلسه دادرسی و در غیاب خوانده باشد، جهت رعایت حق دفاع وی، تقدیم دادخواست ضروری است. لیکن با بررسی که در ابتدای همین مبحث صورت گرفت، دیدیم که اساس این عقیده، یعنی تلقی ماده ۹۸ قانون آیین دادرسی مدنی به عنوان مستند دعوای اضافی، صحیح نیست. تغییرات مندرج در ماده ۹۸ مصداق دعوای اضافی نیست، بلکه اختیاراتی است که به خواهان اعطا شده است و به موجب آن، می‌تواند اقدام به افزایش یا تغییر خواسته و یا تغییر نحوه دعا نماید که در این مورد، تشریفات نیز پیش‌بینی نشده است و به صرف درخواست در جلسه و وجود شرایط، این اقدام منشأ اثر خواهد شد. در حالی که دعوای اضافی که به عنوان یک دعوای طاری در ماده ۱۷ قانون آیین دادرسی مدنی مورد شناسایی قرار گرفته است، یک دعوای تمام عیار است و به موجب ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی مدنی مستلزم تقدیم دادخواست است. علاوه بر این، وحدت ملاک سایر دعوای طاری نیز لزوم تقدیم دادخواست را تقویت می‌نماید. با این حال، قسمتی از نظریه مورد انتقاد بالا در تجدید جلسه در صورت عدم حضور خوانده، با اصول هماهنگی دارد؛ زیرا در تغییرات مد نظر ماده ۹۸ قانون آیین دادرسی مدنی نیز

حتی امکان استفاده از اختیارات ماده ۹۸ نیز نافی پرداخت هزینه دادرسی نیست. بنابراین در صورتی که دعوی اضافی و یا تغییرات ماده ۹۸ اقتضای پرداخت هزینه دادرسی، مازاد بر آنچه هنگام اقامه دعوی اصلی پرداخت شده بنماید، خواهان باید نسبت به پرداخت مازاد اقدام کند. پرسش قابل طرح این است که علی‌القاعده متعاقب افزایش خواسته، باید مابه التفاوت هزینه دادرسی پرداخت شود. حال اگر این هزینه پرداخت نگردد، چه ضمانت اجرایی توسط دادگاه قابل اعمال خواهد بود؟ همانند اینکه دعوی مطالبه وجهی از یک میلیون تومان در جلسه نخست به دو میلیون تومان افزایش یابد؟ بدیهی است، در فروضی همانند مثال بالا، باید جهت اخذ مابه التفاوت هزینه دادرسی برابر ماده ۵۴ به خواهان، اخطار رفع نقص شود؛ چرا که با توجه به افزایش صورت گرفته، هزینه دادرسی به اندازه کافی الصاق نشده است. روشن است در صورت رفع نقص در مهلت ۱۰ روزه خواسته جدید مورد رسیدگی قرار می‌گیرد، اما اگر هزینه پرداخت نشد، تکلیف چیست؟ در این خصوص به شدت اختلاف وجود دارد و راه‌حل‌های مختلفی در رویه قضایی پیش‌بینی شده است (مقصودپور، ۱۳۹۱) که عبارت‌اند از: یک راه حل این است که در صورت عدم رفع نقص، قرار رد دادخواست نسبت به کل دعوا صادر شود؛ چرا که با افزایش خواسته، وضعیت جدیدی حادث شده و در مورد کلیات خواسته تقاضای رسیدگی شده است. بنابراین در صورت عدم رفع نقص، باید دادخواست به طور کلی رد شود. راه حل دوم آن است که افزایش خواسته پذیرفته نشود و رسیدگی نسبت به همان مقدار سابق ادامه یابد، با این توجیه که چون هزینه دادرسی نسبت به مازاد پرداخت نشده است، دیگر موجهی برای رسیدگی به افزایش خواسته وجود ندارد. در قسمت قبلی نیز چون تشریفات قبلاً رعایت شده مجوزی جهت عدم رسیدگی به نظر نمی‌رسد. راه حل سوم اینکه، در مورد قسمت اضافه شده، اخطار رفع نقص صادر و در صورت عدم رفع نقص، دادخواست نسبت به قسمت اضافه شده توسط دفتر، رد گردد و نسبت به مقدار اول رسیدگی ادامه یابد، اما در مورد تغییر موضوع یا سبب دعوا، چون دعوی جانشین دعوی دیگری شده و در صورت تغییر، دادگاه تنها به یک دعوا رسیدگی می‌کند، پرداخت هزینه دادرسی وقتی مطرح می‌شود که خواسته نخست غیر مالی و خواسته جایگزین مالی باشد و یا در صورت مالی بودن هر دو، ارزش خواسته جایگزین، بیشتر از دعوی اصلی باشد. بنابراین اگر هر دو خواسته غیر مالی باشند، مثل دعوی تخلیه به دلیل عدم پرداخت اجاره بها که به تخلیه به

که ممکن است خواسته افزایش یا تغییر کند یا نحوه دعوا عوض شود، به ملاک ماده ۱۴۳ قانون آیین دادرسی مدنی در فرض عدم آمادگی و یا عدم حضور خوانده، جلسه رسیدگی تجدید خواهد شد. این مسئله در راستای اصل تناظر، مورد تأیید رویه قضایی و اداره حقوقی دادگستری (نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضاییه، ش ۹۱)^۱ قرار گرفته و بدیهی است در صورت عدم رعایت این اصل، دادرسی بر خلاف قانون خواهد بود و تبعاً رای صادره در مرجع بالاتر نقض خواهد شد. (متین دفتری، ۱۳۳۵).^۲

۲-۱-۱. پرداخت هزینه دادرسی

با توجه به ضرورت تقدیم دادخواست، علی‌الاصول لازم است که قواعد مربوط به نحوه تعیین خواسته و تقویم آن، در مواردی که قانوناً نیاز به تقویم است رعایت شود؛ چرا که خواسته دعوی اضافی، در جای خود، خواسته‌ای مستقل است که حتی در صورت عدم وجود دعوی اصلی، به نحو جداگانه قابلیت رسیدگی دارد. در عین حال، در مورد طرح درخواست‌هایی چون دستور موقت و تأمین خواسته و اموری چون خسارات دادرسی، این قاعده با این شدت و حدت اجرا نمی‌شود. هزینه دو مورد نخست معادل دعوی غیر مالی است و بابت درخواست خسارات دادرسی نیز تقویمی صورت نمی‌گیرد و هزینه‌ای پرداخت نمی‌شود؛ زیرا دیدیم این موارد هیچ کدام دعوی اضافی تلقی نمی‌گردد. دادخواست دعوی اضافی نیز باید در اجرای اصل تناظر به خوانده این دعوا ابلاغ و فرصت لازم برای تدارک دفاع به او داده شود؛ چرا که دعوی اضافی نیز همانند سایر دعاوی طاری، دعوی تمام‌عیار است و باید، مقررات لازم برای اقامه دعوی اصلی، در حدی که قابل انطباق با دعوی مزبور باشد، رعایت گردد (شمس، ۱۳۹۵).

علاوه بر این باید هزینه دادرسی مربوطه نیز پرداخت گردد.

۱. «اگر خواهان در اولین جلسه دادرسی خواسته دعوا را تغییر دهد، خوانده باید از آن مستحضر گردد و دفاع نماید، بنابراین چنانچه خوانده در جلسه رسیدگی حاضر نباشد، رسیدگی دادگاه، بدون اعلام تغییر خواسته به خوانده، صحیح نخواهد بود».

۲. بر این اساس شعبه چهارم دیوان عالی کشور، در رأی شماره ۱۳۷۹ مورخ ۲۸/۷/۲۷ خود بیان داشته است: «در صورتی که در دادخواست بدوی خواسته خواهان کالایی بوده باشد که قیمت آن تعیین نشده و در اولین جلسه دادگاه که خوانده غایب بوده، قیمت کالای مزبور تعیین گردد، باید این موضوع به خوانده ابلاغ شود و عدم توجه به این قسمت موجب نقض حکم خواهد شد».

تغییرات احتمالی آن که به تجویز ماده ۹۸ قانون آیین دادرسی مدنی انجام می‌گیرد، داشته باشد» (شمس، ۱۳۹۵). تعریف اخیر به جهت جمع همه شرایط و رعایت اختصار بر سایر موارد ترجیح دارد. مهلت طرح دعوی اضافی به‌رغم فقدان نص صریح قانونی و با وحدت ملاک از مادتين ۱۳۵ و ۱۴۱ قانون آیین دادرسی مدنی، تا پایان اولین جلسه رسیدگی خواهد بود. در دکتترین حقوقی، بین دو اصطلاح حقوقی تا پایان جلسه اول و تا اولین جلسه رسیدگی تفاوت قائل شده‌اند و این دو را مقاطعی جداگانه می‌دانند. با این توضیح که مقطع تا اولین جلسه، یعنی کلیه اقدامات قبل از تشکیل جلسه اول و اولین اقدام جلسه اول، در حالی که مقطع تا پایان جلسه اول، تا آخرین لحظه‌ای است که زمان اختصاص یافته به جلسه اول تمام می‌شود. با این حال، رویه قضایی چنین نظری را نپذیرفته و تفاوتی بین این دو اصطلاح در غالب موارد، قائل نمی‌شود و هر دو مقطع را واحد و تا پایان جلسه اول می‌داند. به هر حال باید به این نکته نیز توجه نمود که یکی از موارد مهمی که محاکم باید آن را مورد توجه قرار دهند، این مهم است که چنانچه دادگاه در زمان رسیدگی به موضوعات مبتلابه با عدم حضور یکی از طرفین روبه‌رو شد (در همان جلسه اول)، نباید اقدام به تجدید جلسه یا صدور قرار ابطال دادخواست نماید و رعایت انتظار کافی برای تشکیل جلسه رسیدگی ضروری به نظر می‌رسد و از طرفی نیز رعایت اصل تناظر به طرفیت خوانده دعوی، این مسئولیت قضایی را دو چندان می‌کند (معاونت آموزش قوه قضاییه، ۱۳۸۷).^۲

۳-۱. اقدام دادگاه در فروض مختلف

۳-۱-۱. اقدام دادگاه در صورت عدم احراز شرایط دعوی اضافی

عدم وجود شرایط اقامه دعوی اضافی مجوزی برای رد دعوا نیست، بلکه به استناد نظری که پذیرفتیم، دعوی اضافی خود دعوایی تمام‌عیار است، باید همانند یک دعوی مستقل با آن برخورد شود و چه بسا ممکن است همین دعوا (همانند موردی که دعوا در مهلت ارائه نشده ولی با دعوی اصلی دارای ارتباط کامل است) مستنداً به ماده ۱۰۳ قانون آیین دادرسی مدنی در

واسطه نیاز شخصی تغییر پیدا کند (تغییر سبب) و یا هر دو مالی و دارای ارزش یکسان باشند، مثل دعوی استرداد عین که به دعوی مطالبه مثل تغییر یابد (تغییر خواسته)، نیازی به دریافت هزینه دادرسی مجدد نیست (مولودی، ۱۳۸۱).

۲-۱. طرح دعوا تا پایان جلسه اول رسیدگی

دعوی اضافی بین اصحاب دعوا با درخواست خواهان شکل می‌گیرد که با بقیه موارد دعوی طاری نیز از برخی جهات دارای اشتراکات و تفاوت‌هایی است. یکی از مهم‌ترین این اشتراکات (به ویژه با دعوی متقابل)، لزوم اقامه دعوا تا پایان جلسه اول و وجود ارتباط کامل و یا وحدت منشأ است که مورد بررسی خواهد گرفت. در مورد جلسه اول، تعاریف مختلفی در دکتترین حقوقی و رویه قضایی مطرح شده است که به بررسی آنها می‌پردازیم. بر اساس رای هیأت عمومی دیوان عالی کشور، منظور از اولین جلسه دادرسی، جلسه‌ای است که موجبات قانونی طرح و استماع دعوی طرفین فراهم باشد (معاونت آموزش قوه قضاییه، ۱۳۸۷).^۱ تعریف دیگر این‌که: «جلسه اول دادرسی، اولین جلسه‌ای است که برای رسیدگی به دعوا تشکیل می‌شود، مشروط به اینکه در آن جلسه، موجبات قانونی طرح و استماع دعوا فراهم باشد. این جلسه با جلسات دیگر دادرسی متفاوت است؛ زیرا طرفین در آن، حقوق مخصوصی برای ایراد و دفاع و ارائه دلایل و اسناد و غیره دارند که در صورت عدم توجه به آن ممکن است آن حقوق ساقط شود» (بهبشتی و مردانی، ۱۳۸۵) و در نهایت اینکه گفته شده جلسه اول «اولین جلسه‌ای است که موجبات رسیدگی فراهم بوده و خوانده فرصت و امکان دفاع در برابر دادخواست خواهان، با لحاظ

۱. «بر حسب مفهوم و مستفاد مواد ۱۲۳، ۱۳۶، ۱۴۴ و ۱۴۷ قانون آیین دادرسی مدنی منظور از اولین جلسه دادرسی آن چنان جلسه‌ای است که موجبات قانونی طرح و استماع دعوی طرفین فراهم باشد. بدیهی است، در صورتی که به جهتی از جهات، جلسه مزبور تجدید شود، جلسه یا جلسات بعدی جلسه اول محسوب نمی‌گردد. (اطلاق نظریه قابل انتقاد است؛ چرا که گاه ممکن است، جلسه بعدی کماکان جلسه اول رسیدگی باشد، همانند موارد تأخیر جلسه یا تجدید جلسه به علت کمی وقت جلسه و عدم فرصت دفاع اصحاب دعوا)، در مورد بحث نیز به شرح پرونده اولین جلسه سی‌ام مهرماه ۱۳۷۷ بوده که در آن جلسه راجع به اعتبار وکالت نامه وکیل شرکت خوانده بحث شده و ایراداتی که باید مطابق موازین قانونی در اولین جلسه اظهار گردد، باید در همین جلسه اظهار شود و استدلال دادگاه به شرح قرار مورد تقاضای فرجام که جلسه مزبور جلسه اولی نبوده و جلسه دوازدهم خرداد ماه ۱۳۷۷ جلسه اول است، صحیح نیست و قبول ایراد در جلسه اخیرالذکر، بر خلاف ماده ۲۰۴ آیین دادرسی بوده و به جهات مرقومه، قرار فرجام خواسته مخدوش است.»

۲. «با آنکه عادتاً وقت هر جلسه کمتر از نیم ساعت منظور نمی‌شود و حضور هر یک از طرفین و لایحه آنها در تمام وقت مقرر پذیرفته است، بنابراین با عدم حضور یکی از طرفین، صدور قرار یا حکم در اوایل وقت مقرر موقعیت ندارد». حکم شماره ۲۴۲-۲۶/۱/۲۶ شعبه سوم دیوان.

حدی وضع متفاوت خواهد بود. در صورت پذیرش افزایش خواسته جدید به خواسته اولیه در قالب ماده ۹۸، چون با دو خواسته مواجهیم باز همانند فرض قبل، دادگاه باید قرار رسیدگی توأمان به هر دو دعوی را صادر کند، ولی در صورت تغییر خواسته یا تغییر سبب در قالب ماده ۹۸، چون خواسته جدید جانشین خواسته اولیه شده و یا خواسته اولی با سبب جدید باید مورد رسیدگی قرار گیرد، صدور قرار رسیدگی توأمان، موضوعاً منتفی است و باید قرار رسیدگی به خواسته جدید صادر شود (مولودی، ۱۳۸۱).

دعوی اضافی در رویه قضائی

۱. آرای دادگاه‌های بدوی و تجدیدنظر

مطابق رأی دادگاه بدوی: دعوی آقای (م.س) به طرفیت آقایان... به خواسته صدور حکم به بطلان رأی داوری مورخ ۱۳۸۹/۴/۳۱ داوران است. دادگاه پس از جری تشریفات قانونی و استماع اظهارات طرفین و مستندات ابرازی از سوی طرفین ملاحظه می‌نماید که اولاً: به موجب صفحه... صورت جلسه مورخ ۱۳۸۹/۴/۲۲ که طی آن هیأت داوران با حضور طرفین موارد مورد اختلاف را مورد بررسی و اظهارات طرفین را مکتوب نموده‌اند، طرفین توافق کرده‌اند تا هیأت داوران حداکثر تا تاریخ ۱۳۸۹/۴/۳۰ نسبت به صدور رأی داوری و ابلاغ آن به طرفین قرارداد از طریق ارسال اظهارنامه قانونی اقدام کنند و... ثانیاً: هرچند به تصریح ماده ۶۹۴ از قانون مدنی علم ضامن به مقدار و اوصاف و شرایط دین که ضمانت آن را می‌نماید، شرط نیست و قطع نظر از اینکه از مضمون قرارداد ضامن مذکور، تعهد به انجام فعل استنباط می‌گردد و ضمانت از ترک فعل ثالث انطباق با موضوع عقد ضمان در قانون مدنی ندارد و... ثالثاً: در بند ۵ ماده «ب» قرارداد مذکور تصریح شده است دریافت و یا تعویض کلیه اسناد تعهدآور که به امضای آقای (س.ف) رسیده و در ادامه در قسمت اخیر تبصره بند مرقوم تصریح شده است و... رابعاً: انجام اقداماتی از سوی خواهان به عنوان متعهد از جمله فک رهن از املاک و حضور در مراجع مربوطه مستلزم اعطای نمایندگی و ایضاً وکالت رسمی از سوی مالکین رسمی

همین شعبه مورد رسیدگی توأمان قرار گیرد. علاوه بر این، در این فرض چون این دعوا، دیگر اضافی شناخته نمی‌شود، برابر قواعد عام مربوط به صلاحیت محلی اقدام می‌گردد، ولی اگر دعوی اضافی را تغییرات مندرج در ماده ۹۸ بدانیم، وضعیت تفاوت خواهد کرد. می‌توان دعوی اضافی را به دو دسته دعوی اضافی با تقدیم دادخواست و بدون آن تقسیم نمود که ملاک آن می‌تواند مواد ۶۵ و ۶۶ قانون آیین دادرسی مدنی باشد؛ در چنین مواردی، اگر دعوی اضافی به موجب دادخواست بوده و شرایط لازم برای رسیدگی را داشته باشد، دادگاه دستور ثبت و تعیین وقت جهت رسیدگی جداگانه به آن را می‌دهد، ولی در صورتی که دعوی اضافی بدون تقدیم دادخواست بوده و یا دادخواست شرایط لازم را نداشته باشد، دادگاه به خواهان اخطار می‌کند که اگر مایل به پیگیری دعوی خود به طور مستقل است، دادخواست به صورت جداگانه تقدیم و یا مبادرت به تکمیل آن نماید. در صورت تقدیم دادخواست یا تکمیل آن، دادگاه جداگانه به دعوی اخیر رسیدگی می‌کند (مولودی، ۱۳۸۱).

۲-۳-۱. اقدام دادگاه در صورت احراز شرایط دعوی اضافی

در صورت احراز شرایط دعوی اضافی توسط دادگاه رسیدگی کننده به دعوی اصلی، معمولاً قرار رسیدگی توأمان صادر و این دعوی با هم مورد رسیدگی قرار می‌گیرند. یعنی رسیدگی ضمن یک دادرسی واحد انجام می‌پذیرد، جلسات رسیدگی علی‌القاعده در جهت بررسی جهات موضوعی هر دو دعواست و در این خصوص، لازم نیست خواهان علت موجهه‌ای برای اعمال تغییرات مندرج در ماده ۹۸ و دعوی اضافی ارائه نماید؛ چرا که با جمع شرایط، امکان استفاده از این حق به وسیله قانونگذار ایرانی پیش‌بینی شده است، هر چند خواهان از ابتدا هم آگاه از امکان طرح این دعوی بوده و در این راه کوتاهی کرده باشد. در حالی که در اصول و قواعد آیین دادرسی فراملی و همچنین حقوق برخی کشورها خواهان باید عذری موجه برای تأخیر در طرح دعوی اضافی و یا اصلاح خواسته خویش به اثبات برساند (پوراستاد، ۱۳۸۷).^۱ لیکن در مورد تغییرات مندرج در ماده ۹۸ تا

موجه باشد: پس از اظهار جهت موضوعی در دادخواست یا لوائح دفاعیه اولیه، وقایع جدیدی حادث شده باشد، امور موضوعی یا دلایل تازه‌ای کشف شود که پیش از این با تلاش متعارف امکان تحصیل آنها وجود نداشته و یا دلیلی که از طریق تبادل دلایل تحصیل شده باشد.»

۱. «هر یک از اصحاب دعوا، حق دارند با اثبات علت موجه برای دادگاه و اطلاع به طرف دیگر، دادخواست و لوائح دفاعیه خود را تصحیح کنند مشروط به اینکه، این امر موجب تأخیر نامتعارف دادرسی یا از جهات دیگر موجب بی‌عدالتی نشود به خصوص، این تصحیح در موارد زیر می‌تواند

خرید را در حکم منظور و با توجه به ترقی قیمت‌ها رأی دادگاه صحیح نیست و درخواست وی این بوده که خوانده یا زمین را تحویل دهد یا قیمت روز آن را پرداخت نماید. اعتراض تجدید نظر خواه در مورد قیمت زمین در نتیجه وارد است؛ زیرا خواهان در دادخواست خسارت هم مطالبه کرده و طبق ماده ۳۹۱ قانون مدنی در این مورد که مشتری جاهل به وجود کسری بوده، باید علاوه بر استرداد ثمن از عهده خسارات وارده بر مشتری نیز برآید و در صورت جلسه ۱۳۶۲/۱۰/۲۹ دادگاه، خواهان قیمت ۱۲۷ متر مربع کسری زمین را از قرار متر مربعی دو هزار و پانصد تومان مطالبه کرده که کمتر از قیمت تعیینی از طرف کارشناس است و بایستی دادگاه بهای ۱۲۷ متر مربع را از هر متر مربع دو هزار و پانصد تومان محاسبه و مورد حکم قرار می‌داد و تعیین قیمت بر مبنای سند فروش صحیح نبوده و مخالف مندرجات پرونده و قانون است، لذا دادنامه تجدید نظر خواسته نقض می‌شود و رسیدگی و صدور رأی به دادگاه حقوقی یک ارومیه محول می‌گردد (بازیگر، ۱۳۸۰).

۳. نشست‌های قضایی

پرسش: خواهان دعوای مالی در اولین جلسه دادرسی خواسته خود را افزایش می‌دهد، تکلیف دادگاه در مورد خواسته افزایش داده شده چیست (مجموعه نشست‌های قضایی دادگستری، ۱۳۸۷).

نظر اکثریت: دفتر دادگاه اقدام به صدور اخطاریه رفع نقص کرده است. در صورت رفع نقص در موعد و مهلت مقرر رسیدگی ادامه می‌یابد و الا ضمن فک پرونده دادخواست در این قسمت توسط دفتر رد می‌گردد و در قسمت خواسته بدوی رسیدگی ادامه می‌یابد.

نظر اقلیت: با توجه به شروع رسیدگی و ورود به ماهیت دفتر نمی‌تواند در خصوص موضوع اتخاذ تصمیم کند و مقایسه مورد به رفع نقص موضوع ماده ۵۴ از قانون آیین دادرسی مدنی، صحیح نیست. دادگاه به رسیدگی ادامه می‌دهد و در زمان صدور حکم نسبت به میزان افزایش داده شده دعوا را رد می‌کند.

نظر کمیسیون نشست قضایی: بر حسب مقررات ماده ۶۱ قانون آیین دادرسی مدنی، بهای خواسته از نظر هزینه دادرسی همان است که در دادخواست قید شده، لیکن در ماده ۹۸ همان قانون، به خواهان اجازه داده شده که در تمام مراحل دادرسی خواسته خود را تقلیل دهد. افزودن به میزان خواسته یا تغییر نحوه دعوا در صورتی ممکن است که با خواسته مطروحه

املاک بوده است که چنین اختیاری به خواهان اعطا نشده است. خامساً: از ماده ۳ بند «ب» قرارداد ضمان، موضوع توافق در تعیین وجه التزام استنباط نمی‌شود، به لحاظ آنکه عبارت ماده مرقوم، ظهور در سپردن چک مرقوم در جهت تضمین اجرای مفاد قرارداد دارد و طرفین مبلغ شخصی را به عنوان وجه التزام در قرارداد پیش بینی ننموده‌اند. سادساً: ...علی هذا دادگاه بنا به مراتب دعوی خواهان به طرفیت خوانده ردیف چهارم آقای (س.ف) را مستنداً به بند ۱ و ۴ از ماده ۴۸۹ قانون آیین دادرسی مدنی، ثابت تشخیص و حکم به ابطال رأی داوری مورخ ۱۳۸۹/۴/۳۱ و نیز ابطال قرارداد ضمان مورخ ۱۳۸۸/۱۱/۷ صادر و اعلام می‌نماید و در خصوص سایر خواندگان به لحاظ عدم توجه دعوی نسبت به آنان مستنداً به بند ۴ از ماده ۸۴ ناظر به ماده ۸۹ قانون مرقوم، قرار رد دعوی صادر و اعلام می‌نماید. رأی صادره حضوری و ظرف مهلت ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ، قابل تجدیدنظرخواهی در محاکم تجدید نظر استان تهران می‌باشد.

مطابق رأی دادگاه تجدیدنظر: ... بنابراین دعوی ابطال رأی داوری به جهت مذکور بلاوجه بوده که مورد توجه دادگاه نخستین قرار نگرفته است، لذا مستنداً به ماده ۳۵۸ قانون آیین دادرسی مدنی، دادنامه تجدیدنظر خواسته، در این بخش نقض و آنگاه با استدلالی که گذشت، مستنداً به ماده ۱۹۷ قانون مذکور، حکم به بطلان دعوی در خصوص ابطال رأی داور صادر و اعلام می‌نماید و اما در خصوص ابطال قرارداد ضمان ۱۳۸۸/۱۱/۷ با عنایت به اینکه تلقی دادگاه نخستین از لایحه شماره ۴۳۲-۱۳۸۹/۸/۳۰ تجدیدنظر خوانده افزایش خواسته است، ولی آنچه مسلم است افزایش خواسته تسری به دعاوی مالی دارد و تغییر نحوه خواسته و دعوی نیز در این مورد مصداق ندارد و در حقیقت مشمول مقررات ماده ۹۸ قانون آیین دادرسی مدنی، نیست و اگر خواسته جدید تلقی شود نیز، نیاز به تقدیم دادخواست علی حده دارد. اساساً ورود دادگاه به ماهیت موضوع مغایر با قانون بوده، لذا با نقض حکم معترض عنه، مستنداً به ماده ۲ قانون اخیرالذکر، قرار رد دعوی خواهان بدوی (تجدیدنظر خوانده) را در خصوص ابطال سند ضمان صادر و اعلام می‌نماید. این رأی قطعی است (مجموعه آرای قضایی دادگاه‌های تجدید نظر، ۱۳۹۱).

۲. آرای دیوان عالی کشور

مطابق رأی: ... اعتراض تجدیدنظرخواه این است با اینکه کارشناس قیمت روز زمین را تعیین کرده دادگاه بهای تاریخ

مربوط بوده و منشأ واحدی داشته باشد و تا پایان اولین جلسه دادرسی به دادگاه اعلام شده باشد. در سؤال مطروحه که خواهان در جلسه اول دادرسی خواسته خود را افزایش داده مکلف است هزینه دادرسی افزایش خواسته را بپردازد و الا پس از صدور اخطار رفع نقص از طرف مدیر دفتر، در صورت عدم پرداخت هزینه دادرسی این افزایش خواسته مردود اعلام و فقط به دعوی قبلی که هزینه دادرسی آن پرداخت شده رسیدگی می‌شود.

دعوی اضافی در برخی قوانین کشورها

در حقوق کشور فرانسه، دعوی اضافی خواسته‌ای جدید از ناحیه خواهان دعوی اصلی است که به واسطه آن، وی خواسته‌های پیشین خود را اصلاح می‌نماید. ماده ۶۵ قانون جدید، این اصلاح را اعم از کاستن یا افزودن خواسته دانسته است. مطابق این ماده، دعوی اضافی دعوی است که از طریق آن، یکی از اصحاب دعوا (خواهان)، خواسته‌ها و ادعاهایش را که از پیش مطرح نموده است، اصلاح می‌کند (gerarad couches, 1998). قانون جدید آیین دادرسی مدنی فرانسه، همانند قانون سابق، نسبت به مقررات این دعوا ساکت است، لذا برای حل و فصل این دعوا باید به مقررات عام و اصول کلی این قانون تمسک جست. مواد ۶۵ و ۶۷ تا ۷۰ قانون جدید، از مواد مهم قابل استناد در دعوی طاری و از جمله دعوی اضافی هستند. به موجب ماده ۷۰، فقط زمانی امکان الحاق دعوی اضافی به دعوی اصلی وجود دارد که به نوعی با آن ارتباط کافی داشته باشد. بدیهی است که هم در دعوی اضافی ساده که در آن یک ادعا بر مبنای همان دعوی اصلی کم و زیاد می‌شود، شرط ارتباط کافی است و هم به طریق اولی، در جایی که خواسته یا ادعا، بر مبنای دیگر و نه بر اساس ماهیت دعوی اصلی، بخواهد افزایش یا کاهش یابد، باید این شرط موجود باشد. علی القاعده دعوی اضافی از طریق تبادل لوایح مابین وکلا صورت می‌پذیرد (مواد ۶۸ و ۶۹ قانون جدید). لازم به ذکر است که در مرحله تجدید نظر نیز باید در حل و فصل این دعوی، به مواد ۵۶۴ تا ۵۶۷ قانون جدید عمل کرد و تنها نباید به ماده ۷۰ قانون جدید، اکتفا نمود (Jean Vincent, 1994).

در حقوق کشور لبنان نیز دعوی اضافی، دعوی است که آن را خواهان بعد از دعوی اصلی‌اش در مقابل خواننده، برای ایجاد نوعی تغییر در دعوی اصلی، در ضمن دادخواست مطرح می‌کند (احمد خلیل، ۲۰۰۱). مصادیق دعوی اضافی در حقوق این کشور عبارت‌اند از: ۱- دعوی که متضمن تصحیح

دعوی اصلی است: گاهی در ضمن رسیدگی، خواهان احساس می‌کند که نیاز به تعدیل دعوایش دارد، البته این تعدیل به حد تغییر جوهره موضوع نمی‌رسد و نیازی به ارایه دلیل برای توجیه تغییر ندارد، بلکه در حد یک تغییر کمی می‌باشد. ۲- دعوی که متضمن عدول از موضوع دعوی اصلی می‌باشد: قانونگذار به خواهان اجازه داده است تا زمانی که اسباب واقعی طلب اصلی موجود باشد و خواهان در دعوی اضافی به این اسباب استناد جوید، موضوع دعوی اصلی را در ضمن دعوی طاری تغییر دهد یا تعدیل کند. ۳- دعوی اضافی که متضمن تعدیل سبب دعوی اصلی است: بدیهی است وقتی قانونگذار عدول از موضوع دعوی اصلی با ثبات سبب را اجازه دهد، عدول از سبب با بقای موضوع دعوی اصلی را نیز اجازه می‌دهد، در این صورت دعوی اضافی خواهان، در واقع عدول از سبب دعوی اصلی می‌باشد. ۴- دعوی اضافی که متضمن تکمیل دعوی اصلی است: با توجه به اینکه برخی اوقات، دعوا دارای توابعی بوده که نسبت به دعوا غیرقابل انفکاک می‌باشند، قانونگذار به خواهان اجازه داده است تا در همان دادرسی، رسیدگی به این توابع را نیز مد نظر قرار دهد؛ یعنی در جلسه محاکمه و ضمن رسیدگی به دعوی اصلی، این توابع در قالب دعوی اضافی مطرح شوند (احمد خلیل، ۲۰۰۱).

در حقوق کشور آمریکا، دعوی اضافی طبق ماده ۱۵ قانون فدرال آمریکا تحت عنوان درخواست اصلاح شده یا دادخواهی تکمیلی، بحث شده است. در این ماده دعوی اضافی در چهار شکل اصلاحات قبل از محاکمه، اصلاحات در طول رسیدگی دادگاه و بعد از محاکمه، اصلاحات مربوط به گذشته و ادعاهای اضافی، مطالبی ذکر شده است. در اصلاحات قبل از محاکمه، موضوع در طی مسیر محاکمه مطرح می‌شود که زمانی است که یکی از طرفین برای یک بار می‌تواند اصلاحات مورد نظر خود را ظرف ۲۱ روز انجام دهد (بند b ماده ۱۵)، در شکل دیگر نیز این امکان فراهم است به شرطی که اصلاحات درخواست شده مورد رضایت کتبی طرف مقابل یا اجازه کتبی دادگاه صورت گیرد که در این صورت، طرف مقابل باید در ظرف زمانی ۱۴ روز نسبت به ادعای موجود پاسخ دهد (بند ۳ ماده ۱۵). در اصلاحات در طول رسیدگی دادگاه و بعد از محاکمه و اصلاحات مربوط به گذشته، در صورت اعتراض یکی از طرفین مبنی بر اینکه ادله جدید طرح شده در دادخواست اصلی نبوده است، دادگاه می‌تواند اجازه اصلاحات را صادر کند و در این صورت ممکن است این اجازه را معترض داشته باشد تا شواهد و ادله‌های لازم را در ظرف زمانی مقرر به دادگاه

است مقنن در لایحه اصلاحی قانون آیین دادرسی مدنی به این امر توجه نموده و در جهت جلوگیری از تحمیل تشریفات زاید دادرسی، امکان طرح درخواست به جای دادخواست به خصوص در زمانی که خوانده حضور داشته و از موضوع جدید مطلع گشته و فرصت کافی نیز برای دفاع داشته باشد را در قالب درخواست بپذیرد.

- طرح دعوی اضافی ممکن است اطلاع دادرسی که بر خلاف سیاست‌های کلی قضایی است را در پی داشته باشد، در این حالت به نظر می‌رسد که لزوم مدلل نمودن مبنای طرح دعوی اضافی در قوانین دادرسی مدنی کشور توسط مقنن و توجه و رعایت آن در رویه‌های قضایی، باعث کاهش اطلاع دادرسی و بهبود فرایند رسیدگی در محاکم و مراجع ذی‌صلاح قانونی شود. لذا می‌توان خواهان را ملزم نمود تا برای ارائه دعوی اضافی دلیل ارائه نماید.

- امکان طرح دعوی اضافی به غیر از خواهان دعوی اصلی، توسط خواننده دعوی اصلی (خواهان دعوی متقابل)، با نگاه به عام بودن خواهان در هر دو دعوا، می‌تواند نوآوری دیگری در این موضوع باشد.

- در خصوص مهلت طرح دعوی اضافی، می‌توان با الگوبری از سیستم حقوقی آمریکا به جای تعیین زمان تا پایان جلسه اول رسیدگی، مدت زمان مشخصی مثلاً ۲۰ روز را برای طرح دعوی اضافی، در نظر گرفت.

- قانونگذار می‌تواند پس از پایان مهلت ارائه دعوی اضافی، پذیرش آن را منوط به رضایت خواننده نماید.

- می‌توان در اصلاح قانون، شرط وحدت منشأ بین دعوی اضافی و دعوی اصلی را حذف و به جای آن ارتباط کافی بین دو دعوی را شرط پذیرش دعوی اضافی دانست.

- قانونگذار می‌تواند هر نوع دعوی اضافی که با دعوی اصلی قابلیت رسیدگی توأمان داشته باشد را به عنوان دعوی اضافی بپذیرد، هر چند موضوع دعوی اضافی، در چارچوب آیین دادرسی کیفری باشد.

منابع

- احمدی، نعمت (۱۳۷۱). *آیین دادرسی مدنی*. چاپ نخست. تهران: انتشارات اطلس.
- انصاری، مسعود؛ طاهری، محمدعلی (۱۳۸۴). *دانشنامه حقوق خصوصی*. دوره سه جلدی. چاپ نخست. تهران: انتشارات محراب فکر. جلد دوم.
- بازیگر، یداله (۱۳۸۰). *قانون مدنی در آیین آرای دیوان عالی*

تسلیم و معرفی کند، گرچه در صورتی که موضوعاتی با رضایت کتبی مبنای جلب به دادرسی شده است که قبلاً در دادخواست مطرح نبوده، حتی پس از تصمیم‌گیری دادگاه در خصوص ورود اصلاحات دعوی جدید نسبت به درخواست قبلی، می‌تواند دلایل جدید خود را تقدیم دادگاه کند، اصلاحات مربوط به گذشته نیز در صورتی ممکن است که طبق اساسنامه و قانون، محدودیت زمانی وجود نداشته باشد تا ادعا یا دفاعیات ناشی از معاملات، قراردادهای یا دفاعیات مورد حمایت قانون قرار گیرد. در خصوص ادعاها یا درخواست‌های اضافی نیز دادگاه با رعایت عدالت و انصاف اجازه می‌دهد تا حتی پس از تکمیل دادخواست، دعوی اضافی مطرح شود، این در حالی است که ممکن است دادخواست اصلی نیز دارای نقص یا ایراداتی باشد، در این صورت به طرف مقابل دعوا فرصتی داده می‌شود تا در زمان مقرر، نسبت به ادعای جدید، پاسخ لازم داده شود (Article 15 of federal rules of civil procedure).

بحث و نتیجه‌گیری

با لحاظ مستندات بیان شده قانونی در این اثر و نظر به مادتين ۱۷ و ۹۸ قانون آیین دادرسی مدنی ایران، مصادیق افزایش، کاهش و تغییر خواسته با مقصود دعوی اضافی موضوع بحث، امری علی‌حده است، در ماده ۹۸ با توجه به طرح پیشین مباحث توسط خواهان، لزوم رعایت تشریفات دادرسی استنباط نمی‌شود، اما وحدت منشأ بیان شده در ماده ۱۷، اشعار می‌دارد که این دعوا از مصادیق دعوی طاری است. بر این اساس، وحدت موضوعی یا تفکیک حکمی مادتين پیش گفته، آثار متفاوتی را در پی خواهد داشت که از جمله آن، عدم ضرورت رعایت تشریفات دادرسی مدنی در دعوی اضافی است، لیکن با پذیرش تعارض و مابینت ذاتی، این تشریفات لازم الرعایه خواهند بود. مطالعه در حقوق کشورهای مورد بررسی نشان می‌دهد که جداسازی مطروحه در نظام دادرسی مدنی ایرانی در آن قوانین مطرح نیست و هر دو موضوع یکسان قلمداد شده‌اند و صرفاً بحث ارتباط کافی و نه شرط وحدت منشأ، مورد توجه قانونگذاران خارجی قرار گرفته است. از این رو پیشنهاد می‌شود که اصلاح قانون در موضوع دعوی اضافی مد نظر و با توجه به توضیحات پیش گفته، موارد ذیل مورد توجه قانونگذار قرار گیرد:

- با توجه به سکوت قانون آیین دادرسی مدنی در خصوص لزوم یا عدم لزوم تقدیم دادخواست در دعوی اضافی، لازم

- کشور (بیع و احکام راجع به آن). تهران: دانش نگار. بدریان، فخرالدین (۱۳۷۴). *بررسی تطبیقی دعوی متقابل*. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شهید بهشتی. پوراستاد، مجید (۱۳۷۸). *مؤسسه بین‌المللی یکنواخت‌سازی حقوق خصوصی و مؤسسه حقوق آمریکا، اصول و قواعد آیین دادرسی مدنی فراملی*. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی. چاپ نخست. جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۷۰). *ترمیم‌ولوژی حقوق*. چاپ پنجم. تهران: کتابخانه گنج دانش. خلیل، احمد (۲۰۰۱). *اصول المحاکمات المدنیه*. بیروت: منشورات الحلبي الحقوقیه. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۸۵). *فرهنگ دو جلدی دهخدا*. چاپ دانشگاه تهران. تهران: مؤسسه لغت‌نامه دهخدا. جلد نخست. شمس، عبدالله (۱۳۹۵). *آیین دادرسی مدنی*. چاپ بیست و نهم. تهران: انتشارات دراک. جلد سوم. تهران: انتشارات دراک. جلد دوم. عمر، نبیل اسماعیل (۲۰۰۹). *قانون اصول المحاکمات المدنیه*. بیروت: منشورات الحلبي الحقوقیه. فواد الصقیر (بی‌تا). *محاظرات فی اصول المحاکمات المدنیه*. بیروت: مطبعه کریدیه. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۸). *عدالت قضایی گزیده آراء*. چاپ نخست. تهران: نشر دادگستر. _____ (۱۳۷۹). *حقوق مدنی قواعد عمومی قراردادها*. چاپ پنجم. تهران: شرکت سهامی انتشار با همکاری بهمن برنا. جلد سوم. _____ (۱۳۸۳). *اعتبار امر قضاوت شده در دعوی مدنی*. چاپ ششم. تهران: نشر میزان. کریم‌زاده، احمد (۱۳۸۹). *آرای دادگاه‌های عالی انتظامی قضات (حقوقی)*. چاپ اول. تهران: انتشارات جنگل. متین دفتری، احمد (۱۳۳۵). *مجموعه رویه قضایی قسمت حقوقی*. تهران: چاپخانه هاشمی.
- _____ (۱۳۷۸). *آیین دادرسی مدنی و بازرگانی*. چاپ نخست. تهران: نشر مجد. جلد دوم. مجموعه آرای قضایی دادگاه‌های تجدیدنظر (حقوقی) (۱۳۹۱). چاپ اول. تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه. مجموعه نشست‌های قضایی (۱۳۸۳). *مسائل آیین دادرسی مدنی*. جلد ۵. معاونت آموزش قوه قضاییه (۱۳۸۷). *رویه قضایی در ارتباط با دادگاه‌های عمومی حقوقی*. چاپ نخست. تهران: انتشارات جنگل. جلد نخست. مقصودپور، رسول (۱۳۹۱). *دعوی طاری و شرایط اقامه آن*. چاپ دوم. تهران: انتشارات مجد. مولودی، محمد (۱۳۸۱). «مقاله دعوی اضافی». *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*. مهاجری، علی (۱۳۸۵). *آیین قضاوت مدنی در محاکم ایران*. چاپ سوم. تهران: انتشارات فکرسازان. واحدی، جواد (۱۳۷۰). «دعوی متقابل». *مجله قضایی و حقوقی دادگستری*. واحدی، قدرت‌الله (۱۳۷۸). *آیین دادرسی مدنی*. چاپ دوم. تهران: نشر میزان با همکاری نشر دادگستر. Gerard couches, Jean (1998). *pierre Langlade et Daniel lebeau. procedure civile, dalloz*. Raymond Guillien et Jean Vincent (nodate). *lexique des termes juridique. 14 e. dalloz*. C. Puigelier (2008). *demande nouvelle (ARTICLE)*. dalloz, JANVIER. bib de I uiversite Sorbonne. Jean Vincent et serge Guinchard (1994). *procedure civile. dalloz, 23 e*. Georges Wiederkehr et Dominique D. AMBARA (Avril 2004). *intervention (ARTICLE)*. bib de I, universite Sorbonne. Federal rules of civil procedure of the united states of America.